



ابعاد اندیشه ورزی از منظر قرآن کریم و دلالت‌های آن برای نظام آموزشی

لیلا سرتیپ‌زاده ۱
دکتر سوسن کشاورز ۲



چکیده:

یکی از ابعاد نظام تربیتی اسلام و در رأس آن تعلیمات قرآن کریم، دعوت به اندیشیدن و بهره‌مندی از نیروی فکر است (ملکی، ۱۳۸۲). در این آیین الهی که نخستین پیامش با فعل امر بخوان آغاز شده است و عنوان کتاب مقدس و آسمانی اش قرآن به مفهوم خواندنی است، فراوان پیروانش را مصرانه به خواندن، دیدن، شنیدن و سیر و سفر کاوشگرانه در زمین دعوت می‌نماید و به انسان هشدار می‌دهد که علت اصلی کفر و انحراف، عدم اندیشه‌ورزی و تفکر است و در این باره همین بس که می‌فرماید؛ «و يجعل الرجس علی الذین لا یعقلون»^۳. آنچه در دنیای کنونی انسان را قادر می‌سازد تا خود را با سلاح علم، هنر، اخلاق و معنویت مجهز سازد، قدرت فکری اوست. تعلیم و تربیت فرآیندی است که پرورش فکر انسان را برعهده دارد (شریعت‌مداری، ۱۳۸۲). در این میان نظام آموزش رسمی که بخشی مهم از نظام تربیتی هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد و دارای ساختاری پیچیده و عناصر متعددی است، در دستیابی به هدف فوق‌الذکر نقشی مهم و بی‌بدیل بر عهده خواهد داشت. هدف محقق در پژوهش حاضر این بوده است که با بهره‌مندی از نظام تربیتی اسلام به عنوان یک برنامه درسی معنوی و فطری، ضمن استخراج ابعاد پرورش تفکر از قرآن کریم، به ارائه‌ی دلالت‌های (راهنمایی‌های) کلام وحی پیرامون پرورش اندیشه برای نظام آموزشی و به طور مشخص برای عناصر برنامه‌ی درسی بپردازد.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر جریان پرورش اندیشه از منظر قرآن در چهار بعد اصلی موضوع اندیشه، مراتب اندیشیدن، ملزومات جریان پرورش اندیشه و آفات اندیشه‌ورزی خلاصه می‌گردد. هر یکی از این بعد حامل راهنمایی‌هایی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه امام صادق(ع)

۲. هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

۳. سوره انفال، آیه ۱۰۰. خداوند تمام پلیدی‌ها را برای کسانی قرار داده که از نیروی عقل و فکرشان بهره‌مند نیستند.



برای نظام آموزشی است که در این مقاله به ذکر آنها خواهیم پرداخت. امید است نتایج پژوهش حاضر راهگشا و مورد استفاده‌ی سیاستگذاران و مجریان امر تعلیم و تربیت قرار گیرد.

■ واژگان کلیدی : اندیشه‌ورزی، دلالت، برنامه‌ی درسی

بیان مساله

■ تعریف مفاهیم و اصطلاحات :
اندیشه‌ورزی: استفاده کردن آگاهانه از ذهن برای شکل دادن به تصورات و مفاهیم مربوط به هم (انسوری، ۱۳۸۱، ص ۶۱۴). در فرهنگ فارسی معین اندیشه، تفکر، فکر، تأمل، بیم و اضطراب معنی شده است (معین، ۱۳۶۲، ص ۳۷۷). راغب اصفهانی در المفردات فکر را قوه‌ی کوبنده‌ی علم به سوی معلوم و تفکر را کوشش این قوه بر حسب نظر عقل معرفی می‌نماید^۱ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ ق، ص ۶۴۳). در پژوهش حاضر منظور از اندیشه‌ورزی به کارگیری نیروی فکر توسط یادگیرندگان نظام آموزشی برای دستیابی به شناخت و توسعه‌ی ظرفیتهای ادراکی خود است تا به واسطه‌ی این شناخت بتوانند در برخورد با مسائل مختلف زندگی راه صحیح را با حداقل لغزشها انتخاب نمایند و در نهایت

محقق در پژوهش حاضر در صدد است تا به این سؤال اساسی پاسخ دهد که براساس نظام تربیتی اسلام چه ابعادی در جریان پرورش اندیشه باید مورد توجه نظام آموزشی قرار گیرد و راهنمایی‌های نظام تربیتی اسلام برای نظام آموزشی در دستیابی به هدف اندیشه‌ورزی در یادگیرندگان کدام است؟
به منظور پاسخگویی به این سؤال محقق با بهره‌مندی از برخی از آیات قرآن که در بردارنده‌ی برخی مفاهیم ناظر بر اندیشه‌ورزی هستند نظیر واژه‌ی عقل، واژه‌ی نظر، واژه‌ی فکر و واژه‌ی تدبیر و با استفاده از تفسیر المیزان پیرامون آیات مورد نظر، ابتدا ابعاد مورد توجه قرآن کریم در پرورش اندیشه را استخراج نموده است، آنگاه به کمک این ابعاد راهنمایی‌هایی را از منظر کتاب وحی برای نظام آموزشی و به طور ویژه برای عنصر اهداف، روشهای یاددهی - یادگیری و نظام ارزشیابی به عنوان عناصر برنامه‌ی درسی، ارائه (استنتاج) کرده است.

۱. الفکر: قوة مطرفة للعلم إلى المعلوم، والفکر: جولان تلك القوة بحسب نظر العنل.

مسیر دستیابی به حیات طیبه که هدف غایی تربیت از منظر اسلام است را به سلامت طی نمایند. بدیهی است بخش مهمی از جریان پرورش نیروی اندیشه برای رسیدن به این مقصود برعهده‌ی نظام تربیتی است.

دلالت: در فرهنگ عمید دلالت به معنای راهنمایی کردن، راهنمایی کردن به راه راست و به معنای برهان و دلیل و آنچه که برای ثابت کردن امری بیاورند آمده- است(عمید، ۱۳۷۲، ص ۹۵۹) در پژوهش حاضر منظور از دلالت‌های قرآن کریم، راهنمایی‌های این کتاب الهی برای نظام آموزشی به ویژه برای عناصر برنامه‌ی درسی در دستیابی به هدف پرورش اندیشه‌ی یادگیرندگان است. این راهنمایی‌های به واسطه‌ی تحلیل و تفسیر آیاتی که دربرگیرنده‌ی برخی مفاهیم آشکار ناظر بر اندیشه‌ورزی در قرآن کریم است، استنتاج گردیده است. برنامه‌ی درسی و عناصر آن: به طور کلی می‌توان تعاریف ارائه شده توسط صاحب- نظران حوزه‌ی تعلیم و تربیت پیرامون برنامه‌ی درسی را در چهار تعریف خلاصه نمود:

۱- برنامه‌ی درسی سندی مکتوب و مصوب است که شامل اهداف تربیتی،

فعالیت‌های آموزشی، مواد و محتوای درسی، زمانبندی و غیره می‌شود.^۱

۲- برنامه‌ی درسی رشته‌ای تحقیقاتی یا شاخه‌ای از علوم تربیتی^۲ است که به مطالعه‌ی مبانی، رویکردها، مسائل و تاریخ برنامه‌ی درسی می‌پردازد و برای مهندسی نظام آموزشی یا ارزشیابی آن به کار می‌آید.

۳- برنامه‌ی درسی طرحی از توالی اهداف و مقاصد تربیتی یا طرحی از جدول زمانبندی فرصت‌های یادگیری است.

۴- برنامه‌ی درسی تمام جریان تحصیل مدرسه‌ای^۳ است و شامل کلیه تجربیات یادگیری اعم از یادگیری روشهای اندیشیدن و آموختن و یادگیری اطلاعات علمی است^۴

به نظر می‌رسد تعریف چهارم که برنامه‌ی درسی را به کل جریان تحصیل مدرسه‌ای نسبت می‌دهد، هم با مبانی تعلیم و تربیت اسلامی درباره‌ی آزادی انسان، جامعیت تربیت، تحول‌پذیری و غیره سازگارتر و هم با یافته‌های مربوط به واقعیت عمل تربیتی قابل حمایت باشد.

۱. Curriculum as Document

۲. Curriculum as Course of Study

۳. Curriculum as Schooling

۴. Zais. Curriculum principles and foundation.1934

این مفهوم می‌تواند سایر تعاریف را نیز در بر گیرد؛ زیرا جریان تحصیل مدرسه‌ای بدون شک مستلزم مطالعات علمی برنامه‌ی درسی است و معمولاً حاصل برنامه‌ریزیها به صورت سندهای مکتوبی به تصویب می‌رسد. همچنین تحصیل چیزی جز کسب تجربه در زمینه‌ی روشهای آموختن، اندیشیدن و اطلاع یافتن از محتوای دانش نیست (علم الهدی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۸). به طور کلی فرآیند برنامه‌ریزی درسی دارای چهار مرحله‌ی اساسی نیازسنجی، طراحی، اجرا و ارزشیابی است. در مرحله‌ی طراحی برنامه‌ی درسی، درباره‌ی عناصر تشکیل دهنده‌ی برنامه‌ی تصمیم‌گیری می‌شود. از نظر زایس طراحی عبارت است از مشخص کردن مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی یعنی نقشه‌ای برای آموزش.

در مجموع عناصر مورد توافق اغلب متخصصان حوزه‌ی برنامه‌ی درسی عبارتند از: اهداف، محتوا، مواد آموزشی، روشهای یادگیری، زمان، فضا و ارزشیابی^۱ (ملکی، ۱۳۸۵، ص ۱۹). در ادامه به بیان نتایج پژوهش یعنی ابعاد پرورش اندیشه از منظر قرآن کریم و نیز دلالت‌های این کتاب آسمانی برای نظام آموزشی در حوزه‌ی برخی از عناصر برنامه‌ی درسی می‌پردازیم.

■ ابعاد پرورش اندیشه از منظر قرآن کریم

☑ ۱ - موضوع اندیشه در قرآن (بعد اول جریان پرورش تفکر از منظر قرآن)

نخستین مقوله‌ای که می‌توان به عنوان اولین بعد پرورش اندیشه در نظام تربیتی اسلام قلمداد نمود، موضوع اندیشه است. اندیشیدن تلاش و پویایی است که به هنگام مواجهه‌ی انسان با مسائل در وی جریان می‌گیرد، خواه این مسائل سراب باشند و سری را گرم کنند و خواه گرهی در کار باشند و گشودن آنها در عمل سودمند افتد و یا آنکه فراتر از این، آن مسائل پرده‌ای بر راز و حقیقتی باشند که با گشودنشان، بصیرت و وسعتی در آدمی پدید آید. بنابراین با نظر به گستردگی عرصه‌های فکر، می‌توان گفت همه‌ی انسانها درگیر تفکرند و به این معنا همه متفکرند و اگر قومی به سبب نداشتن تفکر مورد نکوهش قرار گرفته است، فی الواقع نه به سبب نداشتن تفکر، بلکه به

۱. برای آگاهی بیشتر پیرامون هر یک از این عناصر رجوع کنید به منابع مربوط به برنامه‌ریزی درسی از جمله؛ برنامه‌ریزی درسی، راهنمای عمل، نوشته‌ی حسن ملکی، مقدمات برنامه‌ریزی آموزش و درسی، محمد حسن پروند.

علت نداشتن «تفکری معین» از حیث عرصه یا جهت ویژه، نکوهیده شده‌اند؛ «أولم يتفکروا فی أنفسهم ...» (باقری، ۱۳۸۵، صص ۲۰۰-۲۰۱).

بنابراین وقتی سخن از دعوت قرآن کریم به تفکر و اندیشیدن می‌شود، در واقع دعوت به تفکری معین از حیث عرصه و جهت است نه به اصل تفکر؛ «قل إنما أعظکم بواحدة آن تقوموا لله متنی و فرادی ثم تتفکروا ما بصاحبکم من جنه إن هو إلا نذیر لکم بین یدی عذاب شدیداً».

در واقع توجّه قرآن به ارائه‌ی موضوع اندیشه، دلالت حائز اهمیت‌تی برای نظام تربیتی در جریان پرورش تفکر دارد و آن اینکسه برای پرهیز از مشغول شدن اندیشه‌ی یادگیرندگان در هر عرصه و جهتی که نه تنها به پرورش آن کمکی نمی‌کند و چه بسا زمینه‌ساز انحراف آن نیز خواهد بود، باید به تعیین و ارائه‌ی موضوع و جهت برای اندیشه پردازد. از واکاوی آیات دربردارنده‌ی برخی مفاهیم ناظر بر اندیشه‌ورزی، موضوعات مورد تأکید خداوند در دعوت به اندیشیدن، نمایان گردید. در ادامه این موضوعات را مورد توجّه قرار می‌دهیم.

۱-۱. اندیشه در گستره‌ی طبیعت تأمل در آیات قرآن نشان می‌دهد که خداوند متعال عالم طبیعت را به عنوان یکی از مهمترین منابع تفکر و دستیابی به شناخت، معرفی کرده است و از انسان می‌خواهد تا در آن اندیشه نماید. طبیعت یعنی عالم جسمانی، عالم زمان و مکان، عالم حرکت و همین عالمی که الان در آن زیست می‌کنیم.

همچنین با تأمل بیشتر در آیات قرآن درمی‌یابیم که روش خداوند در دعوت انسان به اندیشه درباره‌ی جهان طبیعت اینگونه است که او ابتدا به معرفی مؤلفه‌های جهان طبیعت و نیز شگفتی‌ها و ویژگی‌های مربوط به هر مؤلفه می‌پردازد و به گونه‌ای نقش آن را در حیات آدمی ترسیم می‌نماید، پس از آن با برانگیختن قوه‌ی کنجکاوی و فطرت حقیقت جوی انسان، او را دعوت به تفکر در جهان طبیعت می‌نماید و به این ترتیب برای اندیشه‌ی بشر، تعیین و ارائه موضوع می‌کند؛ «إن فی خلق السموات و الأرض و اختلاف الیل و النهار و الفلک الّتی تجری فی البحر بما ینفع الناس و ما أنزل الله من السماء من ماء فأحیا به الأرض بعد موتها ء بثّ فیها من کلّ دابّة و تصریف

۱. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۸ آیا آنها با خود نیندیشیدند ...

۲. سوره‌ی سبأ، آیه‌ی ۳۶. بگو: دنیا را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید، سپس پندیشید این دوست و همنشین شما [سختند] هیچ گونه جنونی ندارد او فقط بیم‌دهنده شما در برابر عذاب شدید (الهی) است.

الرياح و السحاب المسخر بين السماء و الأرض لأيت لقوم يعقلون^۱».

برخی زمینه‌های مورد توجه قرآن در دعوت به اندیشه در جهان طبیعت عبارتند از:

✽ آفریده‌های زمینی^۲؛

«و فی الأرض قطع متجاورات و جنات من أغانب و زرع و نخیل صنوان و غیر صنوان یسقی بماء وحد و نفضل بعضها علی بعض فی الأکل إن فی ذلک لأیت لقوم یعقلون^۳»، «و من ثمرات النخیل و الأغانب تتخذون منه سکرا و رزقا حسنا إن فی ذلک لأیه لقوم یعقلون^۴».

✽ آفریده‌های آسمانی^۵؛

«و سخر لكم الیل و النهار و الشمس و القمر و النجوم مسخرات بأمره إن فی ذلک لأیات لقوم یعقلون^۶»، «قل انظروا ماذا فی السماوات و الأرض و ماتغنی الایات و النذز عن قوم لایؤمنون^۷».

✽ آفریده‌های مشترک میان آسمان و زمین؛

برخی از آیات قرآن کریم، پدیده‌های مشترک میان آسمان و زمین را موضوع اندیشه‌ی آدمی قرار می‌دهد، نظیر باران رحمت که از آسمان بر زمین نازل می‌شود و موجب حیات، سربلندی و آبادانی زمین می‌گردد، ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، رعد و برق که مایه‌ی بیم و امیدند؛ «واختلف الیل و النهار و ما أنزل من السماء من رزق فأحیا به الأرض بعد موتها و تصریف الریح آیت لقوم یعقلون^۸».

✽ اندیشه در آفریده‌های دریایی؛

«... و الفلک الّتی تجری فی البحر بما ینفع الناس ... لأیت لقوم یعقلون^۹».

۳. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۴. و در روی زمین، قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوتند و (نیز) باغهایی از انگور و زراعت و نخلها، (و درختان میوه گوناگون) که گاه بر یک پایه می‌روند و گاه بر دو پایه (و عجیب‌تر آنکه) همه آنها از یک آب سیراب می‌شوند و با این حال، بعضی از آنها را از جهت میوه بر دیگری برتری می‌دهیم در اینها نشانه‌هایی است برای گروهی که عقل خویش را به کار می‌گیرند.

۴. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۶۷. و از میوه‌های درختان نخل و انگور، مسکرات (ناپاک) و روزی خوب و پاکیزه می‌گیرید در این، نشانه روشنی است برای جمعیتی که اندیشه می‌کنند.

۵. برای تأمل بیشتر در آفریده‌های آسمانی نگاه کنید به: سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۹۱، سوره‌ی ق، آیه‌ی ۶.

۶. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۱۲. او شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما ساخت و ستارگان نیز به فرمان او مسخر شمایند در این، نشانه‌هایی است (از عظمت خدا)، برای گروهی که عقل خود را به کار می‌گیرند.

۷. سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۱۰۱. بگو: نگاه کنید چه چیز (از آیات خدا و نشانه‌های توحیدش) در آسمانها و زمین است! اما این آیات و اندازها به حال کسانی که (به خاطر لجاحت) ایمان نمی‌آورند مفید نخواهد بود.

۸. سوره‌ی جاثیه، آیه‌ی ۵. و نیز در آمد و شد شب و روز، و رزق (و بارانی) که خداوند از آسمان نازل کرده و به وسیله آن زمین را بعد از مردنش حیات بخشیده و همچنین در ورزش بادها، نشانه‌های روشنی است برای گروهی که اهل تفکرند.

۹. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۶۴.

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۶۴. در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتیهایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده، و انواع چمن‌گان را در آن گسترده، و همچنین (در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه‌هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند.

۲. برای تأمل بیشتر در آفریده‌های زمینی نگاه کنید به: سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۶۴، سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۶۹، سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۳، سوره‌ی غاشیه، آیه- ۱۷ و ... و نیز نگاه کنید به تفسیر این آیات در تفسیر المیزان.

عَلَّامَهُ طِبَابُطَبَائِي (رحمه الله عليه) ذیل تفسیر این آیه می نویسد: «... کشتی هم مانند همه‌ی موجودات طبیعی هم در وجود خودش محتاج به اله است و هم در تدبیر امورش و خدای تعالی در یک جمله‌ی بسیار کوتاه به این حقیقت اشاره نموده و می فرماید: «و الله خلقکم و ما تعلمون»، خداوند هم شما را آفرید و هم اعمال شما را (سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۹۶). گفتار در اینکه مصنوعات انسان هم مصنوع خداست و اینهایی که صنایع بشری را مصنوع و مخلوق انسان می دانند و می گویند هیچ رابطه‌ای میان آنها و اله عالم نیست، به خاطر اینکه تنها اراده و اختیار انسان در آن دخالت دارد، تا چه اندازه غافلند!» (طباطبایی، ترجمه‌ی موسوی، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۶۰۱-۶۰۲). در یک جمع بندی از بررسی آیاتی که جهان طبیعت را به عنوان موضوع تفکر و اندیشه‌ی انسان مورد توجه قرار می دهند، چند نکته در خور توجه و تأمل است:

۱. عظمت، گستردگی و نامحدود بودن جهان طبیعت و شگفتی های آن به گونه ای است که نیروی تفکر و اندیشه‌ی انسان را بر می انگیزد، آن را جهت می دهد و به رشد و تعالی آن کمک می نماید. علاوه بر عظمت و گستردگی

جهان طبیعت و نعمتهایی که خداوند بر انسان عرضه داشته است، رعایت حد اعتدال در عرضه‌ی آنها از جانب پروردگار، خود مایه‌ی اندیشه‌ورزی آدمی است.

۲. باید همواره این مهم را خاطر نشان نمود که سیر طبیعت تنها برای شناخت طبیعت محض نیست، بلکه به منظور دستیابی به شناخت عظمت پروردگار و نفوذ ایمان در قلب انسان است. مشاهده‌ی جهان طبیعت به عنوان آیه و نشانه‌ی حق، نوعی خداشناسی تجربی فراهم می آورد. تلقی جهان طبیعت به عنوان آیه و نشانه‌ی حق، برای عموم مردم صرف نظر از تفاوت‌هایی که به لحاظ طبقه‌ی اجتماعی یا میزان تحصیلات و غیره ممکن است داشته باشند، دلالت‌هایی ایمانی دارد.

در حقیقت از منظر قرآن شناخت جهان به طور واقعی از خداشناسی منفک نیست و حقیقت هر چیزی عین ربطش به خداست، بنابراین ادراک حقیقت هر چیز عبارتست از ملاحظه‌ی آن از حیث ارتباطش با خداوند که تمام ذات او به همین ارتباط وابسته است. قرآن می فرماید: «فأینما تولوا فثم وجه الله» و امام صادق (علیه السلام) در پاسخ ابی بصیر که از امکان رؤیت حق در قیامت سؤال

کرده بود، فرمودند: «مگر تاکنون او را ندیده‌ای؟ (کلینی، ترجمه‌ی مصطفوی، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۱۴۶).

۳- اگر چه عظمت، تنوع و نامحدود بودن نشانه‌های قدرت پروردگار در تمامی عرصه‌های طبیعت مشهود است، لیکن همه‌ی انسانها درباره‌ی آن نمی‌اندیشند و متذکر نمی‌شوند، تنها کسانی که صاحب آگاهی و اندیشه‌اند یادآور آن هستند؛ «... إن فی ذالک لذکر لاولی الألباب»^۱.

۴- روش قرآن کریم در دعوت به اندیشیدن در جهان طبیعت متکی بر دو محور اساسی است، یکی بهره‌مندی از حواس (تجربه‌ی عینی) و دیگری بهره‌گیری از استدلال عقلی. کلام وحی در موارد متعددی بر مشاهده و برخورد حسی با پدیده‌های طبیعت و درک حقیقت آنها اصرار ورزیده است، در مواردی نیز بر براهین عقلی و به کار گرفتن آنها در تبیین جهان طبیعت تأکید نموده است. ترکیب این دو محور در دستیابی انسان به شناخت عمیقتر از پدیده‌های طبیعت مؤثر خواهد بود.

■ ۱-۲ اندیشه در خود (عالم درون، عالم انفس)

جهان برون با همه‌ی عظمتها و

شگفتیهای خود تفکر آدمی را برمی‌انگیزد و به نیروی اندیشه موضوع و محتوای خاصی می‌دهد، لیکن در برابر عالم آفاقی جهان دیگری قرار دارد که با نام جهان درون یا عالم انفسی از آن یاد می‌شود و منظور همان انسان است که به مراتب از جهان برون پیچیده‌تر، مرمرزتر و شگفت‌انگیزتر است. کتاب وحی از انسان می‌خواهد تا در آفرینش و مراحل تکوین خلقت خود و در ویژگی‌های ظاهری و باطنی خود، در اعمال و رفتار خود و سایر افراد اجتماع اندیشه نماید؛

«یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما إثم کبیر و منافع للناس و إثمها أكبر من نفعها و یسئلونک ماذا ینفقون قل العفو کذلک یتین الله لکم الایات لعلکم تتفکرون»^۲.

آیه‌ی دیگری که انسان را به تأمل و اندیشه در درون خویش دعوت می‌نماید، آیه‌ی ۵ سوره‌ی طارق است؛ «فلینظر الإنسان مِمَّ خُلِق»^۳. علامه طباطبایی (رحمه‌الله‌علیه) ذیل تفسیر این آیه می‌نویسد: «انسان باید بیندیشد که از چه خلق شده و مبدأ خلقتش چه بوده و

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۱۹. در باره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: «در آنها گناه و زیان بزرگی است و منافعی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است. و از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از ما زراد نیازمندی خود. اینچنین خداوند آیات را برای شما روان می‌سازد، شاید اندیشه کنید.

۳. انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است.

۱-سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۲۱. این مثال تذکری است برای خردمندان.

چه چیزی به دست خدای متعال به این صورت انسانی درآمده است...» (طباطبایی، ترجمه‌ی موسوی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۳۱).

بر اساس آیات فوق می‌توان گفت تفکر در نفس واسطه‌ی شناخت حقیقت تمام هستی است و ابتلاء به اعمال سوء که ناشی از جهل و ناآگاهی نسبت به نفس است، به تحریف جهان و تکذیب و استهزای آیات الهی منتهی می‌شود و عمل نیک، معرفت معتبر نسبت به خویشتن و جهان را در پی دارد. در کلام علامه طباطبایی (رحمه‌الله‌علیه) نیز به روشنی اهمیت و نقش سیر انفسی در دستیابی به شناخت به عنوان هدف پرورش اندیشه، به روشنی قابل مشاهده است.^۱

■ ۱-۳ اندیشه در تاریخ و سرنوشت ملتها^۲

«... أفلم یسیروا فی الأرض فیظنروا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم و لدار الآخره خیر للذین اتقوا أفلا تعقلون^۳». انسانهای خردمند نه از گذشته غافلند، نه در زمان حال غرق‌اند و نه آینده را فراموش کرده‌اند. خرد از تجارب گذشته عبرت می‌گیرد، از شرایط موجود تغذیه می‌شود و در آینده جهت حرکت را می‌جوید.

امام‌علی (علیه‌السلام) در توصیف تاریخ و سرنوشت ملتها به عنوان منبع مهمی برای پرورش اندیشه‌ی انسان خطاب به فرزندش امام حسن (علیه‌السلام) می‌فرماید: «فرزندم هر چند من به اندازه‌ی همه‌ی آنان که پیش از من بوده‌اند، نزیسته‌ام اما در کارهایشان نگرسته‌ام و در سرگذشت‌هایشان اندیشیده‌ام و در آنچه باقی مانده، رفته و دیده‌ام تا چون یکی از ایشان گردیده‌ام» (نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱).

■ ۱-۴ اندیشه در شریعت^۴

خرد و اندیشه انسان زمانی قابلیت دارد رستگاری را بجوید که رستگاری را خوب بفهمید و درک نماید. فهم رستگاری هم از فهم درست شریعت و نسبت آن با انسان و جامعه به دست می‌آید. اصولاً اسلامی که با تفکر همراه باشد، ریشه‌دار و ماندنی است و در غیر این صورت از

۱. برای تأمل بیشتر پیرامون تفاوت سیر انفسی و سیر اتقایی از منظر علامه طباطبایی (رحمه‌الله‌علیه)، نگاه کنید به تفسیر المیزان، نوشته‌ی علامه طباطبایی، ترجمه‌ی موسوی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۹۲.
۲. برای تأمل بیشتر در آیاتی که دعوت به اندیشه در تاریخ می‌نمایند، نگاه کنید به سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۳۷، سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۱، سوره‌ی روم، آیات ۴ و ۴۲، سوره‌ی اعراف، آیات ۸۴، ۸۶ و ۱۰۳، سوره‌ی یونس، آیات ۳۹ و ۷۳، سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۲۶ و...
۳. سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۱۰۹... آیا (مخالفان دعوت تو) در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چه شد؟! و سرای آخرت برای پرهیزکاران بهتر است! آیا فکر نمی‌کنید؟!
۴. برای تأمل بیشتر در آیاتی که به اندیشه در شریعت فرامی‌خواند، نگاه کنید به: سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۸۲، سوره‌ی مؤمنون، آیه‌ی ۶۸، سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۲۴.

این دستورها بیندیشد و به آنها آگاه شود، در غیر این صورت آن طور که شایسته است، دستورها را به کار نخواهد بست (ملکی، ۱۳۷۹، صص ۴۸۴-۴۸۵).

■ ۱- ۵ اندیشه در ماهیت زندگی دنیا و آخرت

یکی دیگر از موضوعات مورد توجه خداوند در دعوت انسان به تفکر، اندیشیدن در ماهیت زندگی دنیا و آخرت است. بعضی انسانها شیفته‌ی دنیا هستند و خیال می‌کنند برای همیشه در آن خواهند ماند، بنابراین نسبت خود را با دنیا چون نسبت بنده با ارباب تنظیم می‌کنند و هر آنچه غرایز و امیال آنها طلب کند در اختیارش می‌گذارند، این گروه گرفتار لَهو و لعب دنیا هستند. گروه دوم کسانی هستند که در پی کسب کمال و عرفان از دنیا گسسته‌اند، غافل از اینکه دین بدون ارتباط درست با دنیا کامل نخواهد شد، اگر قرار بود خلیفه‌ی خدا در دنیا، در غیر دنیا تربیت شود، چرا در دنیا گماشته شد؟

بنابراین معلوم می‌شود که هیچ یک از این دو گروه درباره‌ی دنیا درست اندیشه نکرده‌اند. اندیشیدن دقیق در ماهیت زندگی دنیا و آخرت، حقیقت آن را برای عقل آشکار می‌سازد و در رشد اندیشه‌ی آدمی مؤثر خواهد افتاد؛ «و ما الحیاه

قلب و رفتار زایل خواهد شد؛ «بالبینات و الزیر و أنزلنا إلیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهם و لعلهم یتفکرون»^۱، «کتاب آنزله‌ایک مبارک لیدتبروا آیاتہ و لیتذکر أولو الألباب»^۲.

علامه طباطبایی (رحمه‌الله‌علیه) در تفسیر آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی ص می‌نویسد؛ «... و معنای آیه این است که این قرآن کتابی است که ما آن را به سوی تو نازل کردیم، کتابی است که خیرات و برکات بسیار برای عوام و خواص مردم دارد، تا مردم در آن تدبیر نموده به همین وسیله هدایت شوند، و یا آنکه حجت بر آنان تمام شود، و نیز برای اینکه صاحبان خرد از راه استحضار حجت‌های آن و تلقی بیاناتش متذکر گشته و به سوی حق هدایت شوند» (طباطبایی، ترجمه‌ی موسوی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۳۰۰).

خداوند با دعوت انسان به تأمل در کتاب الهی، از او می‌خواهد به دستوره‌های دین که برنامه‌ی زندگی است و در مجموعه‌ای واحد و نظام‌دار تنظیم و عرضه شده است، بیندیشد و ذهن و روانی پذیرا و خالص برای به کار بستن آنها به دست آورد. بر انسان است تا درباره‌ی فلسفه‌ی

۱. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۴۴. (از آنها پیرسید که) از دلایل روشن و کتب پیامبران پیشین آگاهاندا) و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی و شاید اندیشه کنند! ۲. سوره‌ی ص، آیه‌ی ۲۹. این کتابی است، ببرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبیر کنند و خردمندان متذکر شوند!

التّيا إلاً لعب و لهو و للدّار الأخره خير
للّذين يتّقون أفلا تعقلون^۱».

در یک جمع‌بندی از بحث «موضوع تفکر» به عنوان یکی از ابعاد پرورش اندیشه از منظر قرآن کریم، می‌توان گفت نظام تربیتی اسلام، نه تنها موضوع تفکر را مطلق و مبهم رها نکرده است، بلکه به این سرمایه‌ی مهم انسان جهت نیز داده است. در اسلام هر چیزی شایسته‌ی تفکر نیست، چرا که عقل با آنچه در مورد آن می‌اندیشد، تغذیه می‌شود و رشد می‌کند.

■ ۲ - مراتب (مراحل) اندیشیدن از منظر قرآن (بعد دوّم جریان پرورش تفکر از منظر قرآن)

با تأمل در آیات قرآن کریم، می‌توان گفت تعقل تمام مراتب ادراک را دربر می‌گیرد و قلب، سمع و بصر نظامهای دریافتی ما هستند که تعقل در آنها جریان دارد. آیات زیر نمونه‌ی اندکی از شواهد قرآنی برای این مطلب است:

تعقل شامل شنیدن و دیدن است یا دیدن و شنیدن در گرو تعقل است، از این رو چه بسازند گوش‌داران ناشنوا و چشم‌داران نابینا؛ «صم بکم عمی فهم

لا یعقلون^۲»، «و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصم و لو كانوا لا یعقلون و منهم من ینظر إلیک أفأنت تهدی العمی و لو كانوا لا یبصرون^۳».

تعقل شامل مشاهدات قلبی است و قلب هم محل شنیدن و هم واسطه‌ی تعقل می‌باشد؛ «أفلم یسیروا فی الأرض فتکون لهم قلوب یمعلون بها أو أذان یسمعون بها فإنّهم لا تعمی الأبصار و لکن تعمی القلوب الّتی فی الصّدور^۴».

تعقل شامل مطالعات متنی، تبیین متن و کشف معنا از آن است و حتی تحریف معنا نیز بعد از تعقل و کشف آن رخ می‌دهد؛ «کذالک بیّن الله لکم الآیات لعلّکم

تعقلون^۵»، «و أنزلنا إلیک الذّکر لتبّین للنّاس ما نزل إلیهم و لعلّهم یتفکرون^۶» و به طور متقابل «یسمعون کلام الله ثمّ

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۷۱. (این کافران در واقع) کر و لال و نابینا هستند از این رو چیزی نمی‌فهمند!

۳. سوره‌ی حج، آیات ۴۲ و ۴۳. گروهی از آنان، سوی تو گوش فرامی‌دهند (اما گویی هیچ نمی‌شنوند و کردند) آیا تو می‌توانی سخن خود را به گوش کران برسانی، هر چند نفهمند؟! و گروهی از آنان، به سوی تو می‌نگرند (اما گویی هیچ نمی‌بینند) آیا تو می‌توانی نابینایان را هدایت کنی، هر چند نبینند؟!.

۴. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۶. آیا آنان در زمین سیر نکردند، تا دل‌هایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند یا گوش‌های شنوایی که با آن (ندای حق را) بشنوند؟! چرا که چشم‌های ظاهر نابینا نمی‌شود، بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست کور می‌شود.

۵. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۴۲. این چنین، خداوند آیات خود را برای شما شرح می‌دهد شاید اندیشه کنید. ۴.

۶. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۴۴. و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی و شاید اندیشه کنند!

۱. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۳۷. زندگی دنیا، چیزی جز بازی و سرگرمی نیست! و سرای آخرت، برای آنها که برهیز گارند، بهتر است! آیا نمی‌اندیشید؟!.

بحرفونه من بعد ما عقلوه و هم یعلمون^۱».

تعقل شامل مشاهدات تجربی است: مشاهدات تجربی طبیعی؛ «و تصریف الریاح و السحاب المسخر بین الأرض و السماء و الأرض لآیات لقوم یعقلون^۲»، «ومن کل الثمرات جعل فیها زوجین اثنین یغشی الیل النهار إن فی ذالک لآیات لقوم یتفکرون^۳»، مشاهدات تجربی اجتماعی؛ «فقد لبث فیکم عمرا من قبله أفلا تعقلون^۴»، «من نعمه ننکسه فی الخلق أفلا یعقلون^۵».

تعقل زیربنای ایمان است و نقش تعیین کننده در ایمان و کفر دارد؛ «ولکن الذین کفروا یفترون علی الله الذنب و اکثرهم لا یعقلون^۶»، «اف لکم و لما تعبدون من دون الله أفلا تعقلون^۷».

تعقل برای عمل نیز تعیین کننده است؛ «إن الذین ینادونک من وراء الحجرات أكثرهم لایعقلون^۸».

در واقع عمل مرتبه‌ی شدید باور است و باور یا ایمان مرتبه‌ی عالی و شدید علم است. به عبارت دیگر علم، ایمان و عمل مراحل یا مراتب تعقلند که بدون هیچ تعارضی تفاوت رتبه‌ای دارند. مشاهده‌ی جهان به عنوان آیه و نشانه‌ی حق که به مدد نگرش آیه‌ای به جهان حاصل می‌شود، علم یقینی یا ایمان پدید می‌آورد، قرآن دانستنی‌هایی را که به ایمان تبدیل نشده است، علم تلقی نمی‌کند. ایمان مورد توجه قرآن، ایمان مبتنی بر ظن و گمان و یا علم غیر قطعی که حاصل مشهورات و مقولات عصری باشد و از سنن طایفه‌ای متأثر شود، نیست، بلکه ایمان استوار بر یقین علمی است و صورت تشدید یافته‌ی علم است (علم الهدی، ۱۳۸۴، صص ۱۵۸ - ۱۶۱). در حقیقت مراتب تعقل مراتب وجودی

۶. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۱۰۳. ولی کسانی که کافر شدند، بر خدا دروغ

می‌نهند و بیشتر آنها نمی‌فهمند!

۷. سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۶۷. اف بر شما و بر آنچه جز خدا می‌پرستید! آیا

اندیشه نمی‌کنید (و عقل ندارید)؟!

۸. سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۴. (ولی) کسانی که تو را از پشت حجره‌ها بلند

صدا می‌زنند، بیشترشان نمی‌فهمند!

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۷۵. سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند، در حالی که علم و اطلاع داشتند؟!

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۶۴. و (همچنین) در تغییر مسیر باده‌ها و ابراهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه‌هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند!

۳. سوره‌ی زنده، آیه‌ی ۳. و در آن از تمام میوه‌ها دو جفت آفرید (برده سیاه) شب را بر روز می‌پوشاند. در اینها آیاتی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!

۴. سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۱۶. چه اینکه مدت‌ها پیش از این، در میان شما زندگی نمودم (و هرگز آیه‌ای نیاوردم) آیا نمی‌فهمید؟!

۵. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۶۸. هر کس را طول عمر دهیم، در آفرینش واژگونه‌اش می‌کنیم (و به ناتوانی کودکی باز می‌گردانیم) آیا اندیشه نمی‌کنند؟!

انسان را مشتمل می‌گردد. تشدید مرتبه-ی وجودی انسان به توسعه‌ی معرفت وابسته است و تلاش انسان در این باره تعقل نامیده می‌شود.

■ ۳. ملزومات اندیشه‌ورزی (بعد سوم جریان پرورش تفکر از منظر قرآن)

به نظر می‌رسد یکی دیگر از ابعاد پرورش اندیشه و تفکر در نظام تربیتی اسلام، تجهیز انسان به برخی ویژگیها برای بهره-مندی از نیروی اندیشه است. تأمل در آیات ناظر بر اندیشه‌ورزی، ویژگیهای زیر را به عنوان ملزومات اندیشه‌ورزی مورد توجه قرار می‌دهد:

■ ۱.۳. توأم ساختن اندیشه و علم (آگاهی) یکی از ویژگیهای انسان اندیشه‌ورز از منظر کلام وحی، داشتن علم و آگاهی است. اگر انسان تفکر کند ولی اطلاعاتش ضعیف باشد، مثل کارخانه‌ای است که ماده‌ی خام ندارد یا ماده‌ی خامش کم است، بنابراین این کارخانه نمی‌تواند کار کند یا محصولش کم خواهد بود. اگر کارخانه ماده‌ی خام زیاد داشته باشد ولی کار نکند باز فلج است و محصولی نخواهد داشت. رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «یا هشام! ثم بین إن العقل مع العلم، ای هشام! عقل و علم باید توأم

باشد». آنگاه حضرت به آیه‌ی «وتلک الامثال نضربها للناس و ما یعقلها إلیا العالمون^۱» استناد نمود. این آیه ملازمت اندیشه و علم با یکدیگر را به خوبی نشان می‌دهد. دعوت اسلام به تعلیم امری بسیار واضح است و آیات بیشماری را می‌توان یافت که خداوند متعال انسان را به فراگیری و تعلّم فراخوانده است؛ «إقرأ باسم ربّک الّذی خلق. خلق الإنسان من علق. إقرأ و ربّک الأکرم. الّذی علّم بالقلم. علّم الإنسان ما لم یعلم^۲»، بهترین شاهد بر عنایت فوق العاده‌ی اسلام به تعلیم و تعلّم است. یا در آیات دیگر آمده است؛ «... قل هل یستوی الّذین یعلمون و الّذین لایعلمون^۳»، «و قال الّذین اوتوا العلم ویلکم نواب الله خیر لمن ءامن و عمل صالحا و لایلقها إلیا الصّابرون^۴».

قرآن می‌آموزد که اندیشه جز بر بستر علم نمی‌روید. برای عاقل بودن باید عالم بود (اگرچه هر عالمی عاقل نیست). راه

۱. سوره عنکبوت، آیه‌ی ۴۴. این مثلها را برای مردم می‌زنیم و جز دانایان آن را درک نمی‌کنند.

۲. سوره عنق، آیات ۱-۵ بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید. همان کس که انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد. بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است. همان کسی که بوسیله قلم تعلیم نمود. و به انسان آنچه را نمی‌دانست یاد داد.

۳. سوره زمر، آیه‌ی ۹. ... بگو: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند مساویند؟».

۴. سوره قصص، آیه‌ی ۸۰ اما کسانی که علم و دانش به آنها داده شده بود گفتند: «وای بر شما نواب الهی برای کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند بهتر است.

علم نیز با «تبیین» هموار می‌شود. آشکار شدن امور و مسائل در پرتو تبیین، منجر به علم می‌شود؛ «کذالک بیّن الله آیاته لعلکم تَعْلَمُونَ»^۱. علامه طباطبایی (رحمه‌الله‌علیه) ذیل تفسیر این آیه می‌نویسد: «بیان خدا مقدمه‌ی تمامیت علم است و تمامیت علم هم مقدمه‌ی عقل و وسیله‌ای به سوی آن است» (طباطبایی، ترجمه‌ی موسوی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۷۶).

■ ۲.۳ روح علمی داشتن

هر چند اندیشه برای بارور شدن باید با علم ملازم گردد، لیکن میان عالم بودن و روح علمی داشتن تفاوت وجود دارد. چه بسیار افرادی که روح علمی دارند ولی عالم نیستند و بسا کسانی که عالمند ولی روح علمی ندارند. عالم واقعی کسی است که روح علمی با علمش توأم باشد. مقصود از روح علمی چیست؟

در پاسخ باید گفت: علم اساساً از غریزه‌ی حقیقت‌جویی سرچشمه می‌گیرد. خداوند انسان را حقیقت طلب آفریده است، یعنی انسان می‌خواهد حقایق را آنچنان که هست بفهمد، اشیاء را همانطور که

هستند بشناسد و درک کند. اگر انسان خودش را نسبت به حقایق بی‌طرف و بی‌غرض نگاه دارد و بخواهد حقیقت را آنچنان که هست درک کند نه آنطور که دلش می‌خواهد، در این صورت او دارای روح علمی است. خداوند در آیات سوره‌ی نجم بیان می‌دارد که از دلایل گمراهی افراد آن است که هوای نفس خویش را در تشخیص خود دخالت می‌دهند و در نتیجه با ذهن غرض‌آلود وارد مطالعه‌ی مسائل می‌شوند، در صورتی که اگر انسان بی‌غرضی خودش را نسبت به حقیقت حفظ کند، همانگونه که خداوند تضمین کرده است او را رهبری و هدایت

می‌نماید؛ «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لِنَهْدِيَنَّهُمْ سَبِيلَنَا وَإِنَّا لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»^۲. روح علمی یعنی روح حقیقت‌جویی، روح بی‌غرضی و روح بی‌تعصبی. روح خالی از جمود و خالی از غرور. عالم نباید تعصب و جمود داشته باشد، نباید تجزم داشته باشد که هر چه من تشخیص دادم لیس آلا و فقط همین است، بلکه باید اصل «و ما اوتیتم علم آلا قلیاً»^۳ توجه داشته

۱. سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۹. و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد و خداوند با نیکو کاران است.

۲. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۸۵. و از تو درباره «روح» سؤال می‌کنند، بگو: «روح از فرمان پروردگار من است و جز آن‌دکی از دانش، به شما داده نشده است».

۳. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۴. این چنین، خداوند آیات خود را برای شما شرح می‌دهد، شاید اندیشه کنید!

باشد که آنچه انسان از حقیقت می‌داند بسیار کم است.

بنابراین در نگاه تربیتی قرآن در جریان شکوفا سازی اندیشه باید به فراگیر روح علمی داد، باید روح حقیقت‌جویی را در متعلم پدید آورد.

۳.۳ ■ توانایی تشخیص و غربالگری

«... فبشّر عباد الّذین یستمعون^۱ القول فیتّبعون أحسنه اولئک الّذین هدیهم الله و اولئک هم اولوا الّألباب^۲». اندیشه و عقل آن زمانی واقعاً معنای اندیشه پیدا می‌کند که به شکل غربال دربیاید، یعنی هر چه را که وارد آن می‌شود سبک و سنگین کند، آنهایی را که به درد نمی‌خورد دور بریزد و به دردخورها را نگاه دارد. حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این باره می‌فرماید: «کفی بالمرء أن یحدّث ما سمع^۳». حضرت مسیح(علیه‌السلام) نیز در بیان اهمیت غربالگری عقل انسان در یافتن حقیقت فرمود: «خذ الحقّ من أهل الباطل و

لاتأخذ الباطل من أهل الحقّ و کونوا نقّاد الکلام^۴».

بنابراین تمرین دادن عقل در سبک و سنگین کردن اندیشه‌ها و امور، به رشد تفکر انتقادی فرد، ایجاد و تقویت روحیه‌ی استدلال و دلیل‌خواهی و ارزیابی و قضاوت صحیح کمک خواهد کرد.

۴.۳ ■ آزاد کردن اندیشه از قید عاداتهای اجتماعی (پرهیز از تقلید)

رها کردن فکر و اندیشه از حکومت تلقینات محیط، عرف و عادت و به اصطلاح امروز از نفوذ سنتها و عاداتهای اجتماعی، یکی دیگر از ویژگیهای انسان اندیشه‌ورز و یا به عبارت دیگر از ملزومات جریان پرورش اندیشه است؛ «و إذا قیل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما ألفینا علیه ابائنا أو لو کان اباؤهم لایعقلون شیئا و لایهتدون^۵».

قرآن اساسش بر مذمت کسانی است که اسیر تقلید و پیروی از آباء و گذشتگان هستند و تعقل و تفکر نمی‌کنند تا خودشان را از این اسارت آزاد کنند. هدف قرآن از این مذمت هدایت است، در واقع خداوند می‌خواهد انسانها را بیدار کند و متوجه این امر سازد که مقیاس و معیار

۱. توجه داشته باشید که در این آیه کلمه‌ی «یستمعون القول» به کار رفته است نه «یسمعون القول»، سماع با استماع فرق دارد، سماع یعنی شنیدن هر چند ناخواسته باشد، استماع یعنی گوش فرا دادن همراه با دقت و تأمل در سخنان.

۲. سوره زمر، آیات ۱۷ و ۱۸، پس بندگان مرا بشارت ده(۱۷)، همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند. آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمندانند. (۱۸)

۳. جامع الصغیر، ج ۲، ص ۹۰. برای جهالت انسان همین بس که هر چه می‌شود نقل کند.

۴. بحار الانوار، ج ۴، ص ۹۶. ای بسا حق را از اهل باطل بشنوید بگیری و ای بسا باطل را از اهل حق بشنوید نگیری.

۵. سوره‌ی بقره، آیه ۱۷۰. و هنگامی که به آنها گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید»، می‌گویند: «نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌نماییم». آیا اگر پدران آنها، چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند (باز از آنها پیروی خواهند کرد).



تشخیص حق از باطل و خیر از شر باید فکر و اندیشه باشد نه صرف پیروی از گذشتگان. علامه طباطبایی (رحمة الله -

و مانع حصول نتیجه‌ی مطلوب می‌گردد و یا آن را از تداوم، استمرار و تمرکز باز می‌دارد.

علیه) ذیل تفسیر آیه‌ی فوق می‌گوید: «این سخنان آنها همان قول بدون علم

در ادامه به بیان آفتهای تفکر از منظر قرآن کریم می‌پردازیم.

است و بدون تبیین است که صریح عقل با آن مخالف است و سر از مطلبی در می‌آورد که هیچ عاقلی اگر به آن تنبّه داشته باشد، لب بدان نمی‌گشاید، اگر پدران خود را تنها در مسائلی پیروی می‌کردند که پدران در آن مسائل دارای علمی بودند و راه حق را یافته بودند، اینها هم از علم و اهداء پدران اطلاع داشتند، چنین اتباعی، اهداء بدون علم نمی‌شد.

♦ ۱.۴ پیروی از هوای نفس با تأمل در آیات قرآن به نظر می‌رسد اصلی‌ترین و مهمترین آفت اندیشه، پیروی از هوای نفس^۱ است. در میدان کشمکش میان گرایشهای فطری و کنشهای غریزی، عقل و هوای نفس همواره با یکدیگر در جدال و ستیزند. اگر هوای نفس بر عقل غلبه یابد و آن را اسیر خود کند، وسیله‌ای قوی برای انحراف انسان از مسیر حق و زمینه‌ساز احاطه‌ی زشتیها و پلیدیها بر سراسر وجود آدمی خواهد بود؛ «و ما کان لنفس أن تؤمن إلّا

بی‌قید و بی‌شروط از پدران صحیح نیست» (طباطبایی، ترجمه‌ی موسوی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۳۵).

بإذن الله و يجعل الرجس علی الذین لا یعقلون^۲»، «إن شرّ الدّواب عند الله الصّمّ البکم الذّین لا یعقلون^۳»، به گونه‌ای که اندیشه‌ی انسان دیگر قادر نیست واقعیتها را ببیند و حقایق را تصدیق نماید؛ «و

۴- آسیب شناسی تفکر (آفتهای تفکر، بعد چهارم جریان پرورش اندیشه از منظر قرآن)

تأمل در آیات کتاب وحی یکی دیگر از ابعاد مورد توجه خداوند در شکوفایی خرد و اندیشه‌ی آدمی را آشکار می‌سازد. همچون بسیاری از پدیده‌ها اندیشه نیز در معرض آسیبها و آفتهایی واقع می‌شود، به گونه‌ای که بر فرآیند و فرآورده‌ی اندیشه‌ی انسان تأثیر می‌گذارد

۱. مجموعه‌ی خواسته‌ها و تمایلات نفسانی اگر با شیوه‌هایی ارضا شوند که منشا آن وسوسه‌ی شطان باشد، مخالف و مغایر با قوانین الهی است و هوای نفس نامیده می‌شود.

۲. سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۱۰۰. (اما) هیچ کس نمی‌تواند ایمان بیاورد، جز به فرمان خدا (و توفیق و باری و هدایت او) و پلیدی (کفر و گناه) را بر کسانی قرار می‌دهد که نمی‌اندیشند.

۳. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۲۲. بدترین جنندگان نزد خدا، افراد کور و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند.



مثل الَّذِينَ كَفَرُوا كمثل الَّذِي يَعْنُقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دَعَاءَ وَ نَدَاءَ صَمِّ بِكُمْ عَمِي فَهَمْ لَا يَعْقِلُونَ^۱» و در نهایت زمینه‌های سقوط و شقاوت ابدی انسان را فراهم

می‌سازد؛ «و قالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما كنا في اصحاب السعير^۲». برخی از زمینه‌هایی که نفس انسان دچار لغزش می‌گردد، عبارتند از:

◆ تکیه بر ظن و گمان و نداشتن علم و آگاهی

خداوند متعال در کتاب وحی به طور مکرر انسان را از پیروی از ظن و گمان باز می‌دارد و می‌فرماید؛ «و ما لهم به من علم إن يتبعون إلا الظنَّ و إن الظنَّ لا يغني من الحقَّ شيئاً» و نیز در جای دیگر می‌فرماید؛ «و لاتقف ما ليس لك به علم إنَّ السمع و البصر و الفؤاد كل أولئك كان عنه مسئولاً».

از بزرگترین آثار منفی پیروی از ظن و گمان و اندیشه‌ی فارغ از علم و آگاهی، انکار و کتمان حقیقت است؛ «بل کذبوا بما لم يحيطوا بعلمه و لمآیاتهم تأويله

۱. سوره ی بقره، آیه ۱۷۱. مثل (تو در دعوت) کافران، بدان کسی است که (گوسفندان و حیوانات را برای نجات از چنگال خطر) صدا می‌زند ولی آنها چیزی جز سر و صدا نمی‌شنوند (و حقیقت و مفهوم گفتار او را درک نمی‌کنند. این کافران، در واقع) کر و لال و نابینا هستند از این رو چیزی نمی‌فهمند.

۲. سوره ی ملکه، آیه ۱۰. و می‌گویند: اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم.

کذلک کذب الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ «و از جمله موارد انکار حقیقت، انکار قیامت است و معاد است؛ «و قالوا ما هي إلا حياتنا الدنيا نموت و نحيا و ما يهلكنا إلا الدهر و ما لهم بذلك من علم إن هم إلا يظنون».

◆ حب و بغض

برای شکوفایی اندیشه، باید حساب اندیشه را از اندیشنده جدا کرد تا علاقه و دلبستگی موجب قبول اندیشه‌ی باطل و کینه و نفرت موجب طرد اندیشه‌ی حق نشود؛ «انظر إلى ما قال و لاتنظر إلى من قال». چرا که در حالت اول انسان ضعفها را نمی‌بیند و در حالت دوم قوتها را.

◆ عجب

عجب به معنای بزرگ جلوه دادن توانایی‌های خویش که ملازم با کم‌بینی فضایل دیگران است، از طغیانهای نفس آدمی است و آفت اندیشه محسوب می‌گردد و از آن رو آفت تلقی می‌شود که ارزیابی آدمی نسبت به خود و دیگران را از واقع منحرف می‌سازد؛ «أبوء أحدكم ان تکون له جنة من نخيل و أعناب تجري من تحتها الأنهار له فيها من كل الثمرات و أصابه الکبر و له ذرّية ضعفاء فأصابها إعصار فيه نار فاحترقت کذلک یبئ الله لکم الآيات لعلکم تتفکرون».

◆ خشم و غضب

علاوه بر لغزشهایی که در نفس انسان رخ می‌دهد و منجر به زایل شدن عقل و ناتوانی آن در تشخیص حق و باطل و خیر و شر می‌گردد، از منظر سخن وحی برخی اعمال نیز بر صحت و سلامت عقل در شناسایی راه حقیقت تأثیر گذارند. گرچه اینگونه اعمال نیز در واقع نوعی پیروی از هوای نفس است، لیکن آنها را در مقوله‌ی جداگانه‌ای مورد توجه قرار می‌دهیم.

■ ۲.۴ تقلید و پیروی کورکورانه

قرآن با مسئله‌ی تقلید و به اصطلاح سنت‌گرایی یعنی پذیرفتن آنچه که در گذشته بوده است و صرف پیروی کورکورانه از آباء و اسلاف و نیاکان فقط به دلیل اینکه آنها آباء و نیاکان هستند، سخت مبارزه کرده است. تقلید مسئله‌ای است که همه‌ی پیامبران با امت‌هایشان درگیر آن بوده‌اند. حالت تسلیم در مقابل گذشتگان حتی اگر راه را اشتباه می‌رفته‌اند، حالتی ضد عقل است. قرآن می‌خواهد که انسان راه خودش را به حکم عقل انتخاب کند. مبارزه‌ی قرآن با تقلید و سنت‌گرایی مبارزه‌ای در حمایت از اندیشه است.

در تمام آیاتی که قرآن کریم انسان را به تفکر و اندیشیدن در موضوعات مختلف

خشم و غضب غیر موجه و بی‌مورد از آن جهت که حدشکن است با عقل که حدآفرین است، سر نزاع دارد، از این رو فروخوردن چنین خشمی لازمه‌ی حرکت در متن حدود است؛ «الكاظمين الغيظ و العافين عن الناس». نیروی غضب اگرچه نیرویی حیاتی و ضروری برای بقای نفس است، لیکن در صورتی قادر به ایفای نقش خود خواهد بود که از حد مجاز خود فراتر نرود، در غیر این صورت زمانی که از اعتدال خارج شود و تجلی آن به صورت خشم ظاهر گردد، آسیب‌زا و مخرب اندیشه خواهد بود.

◆ عناد و انکار

عناد و انکاری که در پی عجب و غضب و با آمیزه‌ای از این دو فراهم می‌آید، اندیشه‌ی انسان را بی‌حاصل می‌سازد، لذا با اینکه فرد حق را می‌داند به آن اعتنا نمی‌کند، چنانکه گویی آن را نمی‌دانسته است؛ «... و لقد مكّنتهم فیما إن مكّنتهم فیه و جعلنا لهم سمعا و أبصرا و أفئده فما أغنی عنهم سمعهم و لأبصرهم و لأفئدهم من شیء أذ كانوا یجحدون بأیات الله و حاق بهم ما كانوا به یتستزءون».

می‌رسد. اندیشه‌ی فطری انسان با علم می‌بالد و هم در حیطه‌ی نظر و هم در حیطه‌ی عمل به واقع و حق نایل می‌شود. از این رو قرار دادن انسان در مسیری که در آن به علمی راست بین (حکمت) دست یابد، به منزله‌ی شیوه‌ای برای شکوفایی و رشد اندیشه‌ی اوست.

قرآن بدایت دستیابی به چنین علمی را مواجهه‌ی حسی با جهان طبیعت در معنای وسیع آن یعنی عالم زمان و مکان، عالم حرکت و همین عالم جسمانی که در آن زیست می‌کنیم، می‌داند. خداوند که خود معلم اول بشر است، در مقام تعلیم، کار را از مواجهه‌ی حسی انسان با جهان آغاز می‌نماید. نمونه‌ی بارز این مسأله در داستان فرزندان آدم طرح شده است. هنگامی که یکی از فرزندان آدم دیگری را کشت، نمی‌دانست با جسد چه کند و چگونه آن را مخفی بدارد. خداوند کلاغی را برانگیخت تا در پیش‌روی او طعمه‌ی خود را در زمین پنهان سازد؛ «فبعث الله غرابا یبحث فی الأرض لیریه و کیف یوری سوءه آخیه قال یا ویلتی أعجزت أن أکون مثل هذا الغراب فأوری سوءه أخی فأصبح

دعوت می‌نماید و انسان را تشویق و تحریک می‌کند تا خود پیرامون حقایق وجود و معارف مبدأ و معاد و در طبیعت و قوانین زندگی فردی و اجتماعی و ... بیندیشد، به این دلیل است که خداوند متعال رضایت نمی‌دهد مردم معارف قرآن را با جمود محض و تقلید کورکورانه و بی‌تعقلی بپذیرند، بلکه باید فکر و عقل خود را به کار گیرند تا در هر مسئله حقیقت امر کشف شود و با نور عقل راهشان روشن گردد.

■ ۵ - روشهای پرورش اندیشه از منظر قرآن

توسعه‌ی ظرفیت علمی انسان و دستیابی به شناخت، به واسطه‌ی تفکر در عالم و از مسیر روشهای پرورش اندیشه صورت می‌پذیرد. روشهای پرورش اندیشه مجموعه‌ی تدابیر و طرقی هستند که به طور منظم و سازمان یافته، موجبات رشد و پرورش اندیشه را در جهت دستیابی به هدفهای مطلوب فراهم می‌آورند (بهشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۰۸). در ادامه به بیان دو روش عمده‌ی قرآن در پرورش اندیشه می‌پردازیم.

♦ الف. روش علم‌آموزی (حکمت‌آموزی): اندیشه موهبتی است که آرام آرام از راه فراگیری علوم شکوفا می‌شود و به فعلیت

من التّادمین^۱». این مواجهه‌ی حسی با طبیعت فکر او را دامن زد تا بیندیشد و به مقصود خود راه یابد.

اما نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که اگر چه قرآن در ابتدا انسان را به مواجهه‌ی حسی با جهان دعوت نموده است، اما این مواجهه آغاز است و باید از آن پیشتر رفت و بر پایه‌ی محسوسات اندیشید و آنچه از این اندیشه‌ها استوار و متین است (حکمت)، برگزید و با آن ملازم شد تا عقل شکوفا گردد. لذا قرآن همواره پس از دعوت به رویارویی حسی، اندیشه را دامن می‌زند، سستی اندیشه‌های باطل را در باب جهان آشکار می‌کند و بر اندیشه‌های حق استدلال می‌کند و به این طریق حکمت می‌آموزد. با نظر به این روش، مرتبی باید چنین سیری را همراه با مترتی ببیماید و او را در معرض علم و حکمت قرار دهد. با حصول حکمت اندیشه فریه می‌شود و بنیه‌ای استوار می‌یابد و شکوفایی اندیشه در فراهم آمدن چنین بنیه‌ای است.

♦ ب. روش تزکیه‌ی نفس

کشش‌ها و کشمکش‌های نفسانی، توازن اندیشه را از آن سلب می‌کنند و عقل را هم در حیطه‌ی نظر و هم در حیطه‌ی عمل و کردار به خطا می‌رانند، چنانکه حب و بغض چشم عقل را چنان کور می‌کند که اندیشه‌ی حق را سست و اندیشه‌ی باطل را استوار و متین می‌یابد. در عرصه‌ی عمل نیز تن دادن به هوسها و پیروی از هواها کار عقل و فکر را به جایی می‌رساند که عمل شنیع را نیک می‌بیند و عمل نیک را شنیع؛ «أفمن زین له سوء عمله فراه حسناً».

از آنجا که دستگاه عقل انسان کانون ادراکات و مرکز شناختها و مایه‌ی تشخیص‌هاست، برای اجرای چنین کارکردهایی احتیاج به زمینه و فضای مساعد دارد. در مقابل اگر هواهای نفسانی و حالات و ملکات مذموم متفرع بر قوای شهویه و غضبیه، ضبط و مهار نشود، اجرای این کارکردها دستخوش اختلال و انحراف می‌گردد و فضای بینش‌های عقلی تیره و تاریک می‌گردد. از این رو بخشی از روشهای شکوفایی و پرورش اندیشه در اسلام اختصاص به مهار طغیانهای

۱. سوره‌ی فاطر، آیه‌ی ۸. آیا کسی که کردار زشتش در نظرش آراسته شده و آن را نیکو بیند (مانند کسی است که براسنی نیکو کار است)؟

۲. سوره‌ی فاطر، آیه‌ی ۳۱. سپس خداوند زانگی را فرستاد که در زمین، جستجو (و کندوکاو) می‌کرد تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند. او گفت: «وای بر من! آیا من نتوانستم مثل این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟! و سرانجام (از ترس رسوایی، و بر اثر فشار و جدان، از کار خود) پشیمان شد.

نفسانی^۱ یافته است و به این روشها چون شرطی برای اندیشه‌ورزی نگریسته می‌شود.^۲

در واقع تزکیه راهکاری که صرفاً مربوط به حوزه‌ی ارزش‌شناختی باشد نیست، بلکه راهبرد توسعه‌ی ظرفیت علمی است و توجه به برخی اعمال و عبادات در قلمرو تزکیه به جهت تأثیری است که آنها در تحول و هدایت انسان دارد، چنانکه در آیه‌ی «الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^۳، جهاد به مطلق تلاش جهت پاکسازی نفس و یادگیری دانشهای مفهومی مربوط به آیات الهی تفسیر شده است و هدایت نیز به هدایت شهودی اختصاص یافته است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۳۵۹)

در ادامه به مدد ابعاد جریان شکوفاسازی اندیشه از این منظر کلام وحی، دلالتهایی برای تدوین اهداف تربیتی، انتخاب روشهای یاددهی-یادگیری و طراحی نظام ارزشیابی در جهت دستیابی به هدف اندیشه‌ورز بار آوردن یادگیرندگان

نظام تعلیم و تربیت، ارائه نموده‌ایم که در زیر آمده است؛

■ دلالتهای اندیشه‌ورزی از منظر قرآن

برای تدوین اهداف تعلیم و تربیت

۱. گسترش نگرش آبدای به جهان

براساس رویکرد قرآن به تعقل و اندیشیدن که دستیابی به شناخت در یادگیرنده نسبت به غایت‌مندی نظام هستی را دنبال می‌نماید، توجه به گسترش نگرش آیه‌ای به جهان باید سرلوحه‌ی تدوین اهداف تربیتی در فرآیند شکوفاسازی اندیشه قرار گیرد.

از منظر قرآن نه تنها شناخت جهان منتهی به شناخت حق و حتی آمیخته با شناخت حق است، بلکه دستیابی به شناخت واقعی پدیده‌ها علاوه بر نگرش تجزیه‌ای علوم، مستلزم نگاهی کل‌گرا برای تبیین رابطه‌ی پدیده‌ها با پدیدآورنده و قیمشان می‌باشد. بنابراین در تدوین اهداف تربیتی در جهت اندیشه‌ورز بار آوردن یادگیرندگان، نه تنها بهتر است بلکه واقعاً باید چنین باشد که هرگونه یادگیری علمی درباره‌ی اشیاء همواره آمیخته به نوعی دانش درباره‌ی ربط آنها به حق باشد (علم الهدی، ۱۳۸۴).

۱. اینکه عقل در چه مواردی دچار طغیان و سرکشی می‌شود و حکومت عقل را زایل می‌سازد، در بحث آفت‌های جریان پرورش اندیشه بیان گردید.

۲. من لم یهدب نفسه لم ینفع بالعقل، هر کس به تهذیب نفس خویش نپردازد، از عقل بهره‌مند نخواهد شد.

۳. سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۹ و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد.



۲. تدوین اهداف تعلیم و تربیت در جهت کسب معرفت از منابع اصلی شناخت اهداف تربیتی باید فرصتها و فعالیت‌هایی را تدارک ببینند که به واسطه‌ی آنها یادگیرندگان بتوانند به معرفتی عمیق از منابع اصلی شناخت یعنی طبیعت، تاریخ، شریعت، نفس و غیره دست یابند. بدیهی است دستیابی به معرفتی اصیل از این منابع، ضمن کسب دانش‌های مفهومی مربوط به این پدیده‌ها از طریق علوم مختلف که در جریان رایج تعلیم و تربیت حاصل می‌شود، در سایه‌ی گسترش ظرفیت‌های مربوط به دانش شهودی و باطنی یادگیرندگان به منظور رمزخوانی و رمزگشایی پدیده‌های مذکور، محقق می‌گردد. گفتنی است در صورتی که یادگیرندگان به چنین معرفتی از منابع شناخت دست یابند، شناخت غایت‌مندی نظام هستی به عنوان هدف غایی اندیشه‌ورزی از منظر قرآن برای آنان بسیار هموارتر خواهد شد.

۳. چرخش از آموزش مهارتها به تغییر نگرشها و باورها

چرخش از آموزش مهارتها و دستورالعمل‌ها به عنوان مهم‌ترین اهداف آموزشی به تغییر نگرشها و باورها، می‌تواند رویکرد نظام تعلیم و تربیت رسمی را از انتقال اطلاعات دور و به تعقل و تدبیر نزدیک نماید. آموختن مهارتها یا رویه‌های انجام یک فعالیت تنها در ارتباط با نگرشها اهمیت دارد.

■ دلالت‌های اندیشه‌ورزی از منظر قرآن برای روش‌های یاددهی - یادگیری

۱. گسترش مهارت‌های زبانی (مهارت‌های ارتباطی)

از منظر قرآن تمام موجودات از نطق چه به معنای فکر و چه به معنای زبان برخوردارند؛ «أَنطَقْنَا اللَّهُ الَّذِي أُنطِقُ كُلَّ شَيْءٍ^۱». گفتن یا به زبان است یه به رفتار، همچنان که شنیدن یا به گوش است یا به دل. بنابراین به نظر می‌رسد برای مشارکت دادن یادگیرنده در چرخه‌ی دو حلقه‌ی شنیدن و گفتن که به کسب علم (به عنوان مرتبه‌ای از تعقل) یا به عبارتی به کشف معنا و رمز از پدیده‌ها و بیان آن معانی در صورتی تازه

۱. البته لازم به ذکر است که جریان آموزشی رایج حتی در انتقال دانش‌های مفهومی مربوط به منابع یاد شده نیز دست به انتخاب و سوگیری می‌زند، به عنوان مثال در معرفت نفس انتقال دانش‌های مربوط به بعد جسمانی نفس را کافی می‌داند.

۲. سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۲۱. همان خدایی که هر موجودی را به نطق درآورده ما را گویا ساخته است. علامه طباطبایی ذیل تفسیر این آیه می‌نویسد:



که در نهایت به اندیشه‌ورز بار آمدن یادگیرنده منتهی می‌شود، باید مهارت‌های زبانی یادگیرنده تقویت و اصلاح گردد. هدف از آموختن مهارت‌های زبانی این است که به تدریج کودکان بینندگان، شنوندگان، خوانندگان، نویسندگان و گویندگان متفکری شوند که بتوانند به خوبی با دنیای اطراف خویش ارتباط برقرار کنند. آنها با یادگیری این مهارت‌ها و تقویت و اصلاح آنها، می‌توانند معنای حوادث و پدیده‌های طبیعی، رفتارها و رویدادهای اجتماعی را کشف کنند و آراء و نظریات خویش را ابراز نمایند. در حقیقت با یادگیری مهارت‌های زبانی، توانایی تفکر منطقی و درک مطلب و نیز تفکر انتقادی و حل مسئله در یادگیرندگان افزایش می‌یابد.

مهارت‌های زبانی مهارت‌های شنیدن (نظیر شنیدن پیام‌های آشکار، پیام‌های ضمنی، تأویل، تفسیر، تجزیه و تحلیل و ...)، مهارت‌های گفتن (نظیر توصیف، انشاء، پرسش، اشاره، استعاره و ...)، مهارت‌های خواندن، نوشتن و دیدن را شامل می‌گردد (علم الهدی، ۱۳۸۶، ص ۳۳۸). کمک به یادگیرندگان برای شناسایی نقص‌های ادراکی و بیانی خود و تلاش در جهت رفع آنها، اقدامی ضروری است که

باید مورد توجه مدیر، معلم یا هر فرد دیگری که در مقام هدایت کننده و تسهیل کننده‌ی جریان تعلیم و تربیت قرار گیرد

۲. توسعه‌ی مهارت‌های مشاهده‌ی غیرعینی و غیرمادی به منظور کشف معنا و رمز پدیده‌ها

علاوه بر گسترش مهارت‌های زبانی یادگیرندگان برای پی بردن به دلایل هستی‌های عالم در پدید آوردن رویدادها که در نهایت به کسب شناخت در آنها منتهی می‌گردد، نیازمند بهره‌مندی از شیوه‌های شیوه‌های مشاهده‌ی غیرمادی و غیرعینی (همچون تخیل و شهود) هستند.

■ دلالت‌های اندیشه‌ورزی از منظر قرآن برای نظام ارزشیابی

۱. طراحی نظام ارزشیابی در جهت سنجش نقص‌های ادراکی یادگیرندگان جریان شکوفاسازی و رشد اندیشه از منظر قرآن، اصل مشارکت یادگیرندگان در گفت و شنود سراسری عالم را مورد توجه قرار داده است. بر مبنای این اصل، یادگیرندگان باید رفتارهای پدیده‌های طبیعی، رویدادهای تاریخی و غیره را سخن آنها تلقی نمایند و رفتار و آثار خود

نفس خویش، هدایتگر آنها در مسیر شناخت حق و باطل و خیر و شر خواهد بود.

(نتیجه گیری)

دین مبین اسلام که روایتی از فلسفه و شیوه‌ی زندگی است، بر اندیشه‌ورزی و به کارگیری نیروی فکر استوار گردیده است. دستیابی به حیات طیبه که هدف نهایی خلقت آدمی از منظر کلام وحی است، در گرو دوری اندیشه و عمل از پلیدی و زشتی بنا گردیده است. از سوی دیگر نظام آموزشی که بخش مهمی از رسالت تربیتی جامعه را بر عهده دارد، در راستای پرورش اندیشه یادگیرندگان نقشی بی‌بدیل بر عهده خواهد داشت. بنابراین از نظام آموزشی در کشورمان که حداقل ادعای حرکت در مسیر تعالیم دینی را دارد، انتظار می‌رود که به منظور اندیشه‌ورز بار آوردن یادگیرندگان از رهنمودهای کتاب انسان ساز الهی بهره‌مند گردد.

رهنمودهای ارائه شده در پژوهش حاضر برای برخی از عناصر برنامه‌ی درسی (شامل اهداف، روش‌های یاددهی یادگیری و ارزشیابی)، با بهره‌مندی از تفسیر آیاتی که دلالت آشکار بر امر اندیشه‌ورزی دارند، به طور یقین می‌تواند

را نیز نوعی سخن گفتن تلقی نمایند که در هر لحظه مورد استماع جهانیان واقع می‌شود. با این توصیف، جریان ارزشیابی تنها به فرآیندهای منظم و زمانبندی شده‌ی مرسوم نظیر امتحانات دوره‌های آموزشی محدود نمی‌شود، بلکه اساساً تمام رویدادهای زندگی و پدیده‌های هستی به مثابه‌ی سیستمهای ارزشیابی تلقی می‌شوند که قادرند میزان مشارکت یادگیرندگان برای شنیدن پیامهایشان را بسنجند. این مهم باید به یادگیرندگان نظام تربیتی به طور مداوم هشدار داده شود.

۲. سنجش میزان دستیابی یادگیرندگان به شناخت حقیقی نسبت به خویش و خویش

همچنانکه شناخت یادگیرندگان از ویژگیها، ظرفیتها، توانمندیها، محدودیتها و عوامل انحرافی نفس در حرکت آنها به سوی مراتب بالای تعقل و دستیابی به هدف غایی اندیشیدن از منظر قرآن، مفید فایده است، طراحی نظام ارزشیابی در جهت سنجش میزان دستیابی یادگیرندگان به شناخته‌های مذکور و ارائه‌ی بازخورد به آنها از سوی نظام تربیتی، به منظور آگاه نمودن یادگیرندگان از ضعفها و لغزشگاههای

نظام آموزشی را در دستیابی به هدف فوق‌الذکر یاری رساند

(پیشنهادها)

با توجه به این که تحقق سایر اهداف تربیتی نظام آموزشی مستلزم پرورش ذهنهای متفکر و اندیشه‌ورز است، به نظر می‌رسد به کار بستن دلالت‌های استنتاج شده از متن کتاب تربیتی قرآن در حوزه‌ی پرورش تفکر، در تدوین برنامه‌ی درسی بسیار کارآمد باشد.

دلالت‌های استنتاج شده در حوزه‌ی پرورش تفکر یادگیرندگان، در برنامه‌ی درسی کلیه‌ی رشته‌های مرتبط با تعلیم و تربیت در راستای تربیت نیروی انسان واقف به امر پرورش اندیشه، گنجانده شود. در پژوهش‌های دیگری ابعاد و دلالت‌های اندیشه‌ورز که ما حاصل این پژوهش بوده است، عملیاتی گردد.

مطالعات و تحقیقات کاربردی دیگری در حوزه‌ی پرورش تفکر از منظر قرآن به منظور شناسایی سایر ابعاد پرورش اندیشه، صورت گیرد.

• منابع:

- قرآن کریم. ترجمه‌ی مکارم شیرازی. تهران: انتشارات خجسته.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی سخن.
- باقری، خسرو (۱۳۸۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. جلد دوم. تهران: انتشارات مدرسه.
- بهشتی، سعید (۱۳۷۹). روش‌های تربیت عقلانی در سخنان امام علی (علیه‌السلام). مقالات برگزیده‌ی همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (علیه‌السلام). تهران: انتشارات مرکز مطالعات تربیت اسلامی. زمستان ۱۳۷۹.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). معرفت‌شناسی در قرآن. قم: انتشارات اسراء.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم. المفردات فی غریب القرآن. الطبعه الاولى. درالعلم. دمشق. ۱۴۱۶ ه. ق.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۲). پرورش تفکر. تهران: انتشارات فرانشاخی اندیشه.
- طباطبایی، محمدحسن (۱۳۹۳ ه. ق.). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه‌ی موسوی (۱۳۷۴). ج ۱، ۲، ۳، ۴. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علم الهدی، جمیل (۱۳۸۴). مبانی تربیت اسلامی و برنامه‌ریزی درسی براساس فلسفه‌ی صدرا. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- علم الهدی، جمیل (۱۳۸۶). فلسفه‌ی آموزش و پرورش. گزارش سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران. قابل دسترسی در سایت آموزش و پرورش.
- عمید، حسن (۱۳۷۲). فرهنگ عمید. ج ۱. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب. اصول کافی. ترجمه‌ی مصطفوی (۱۳۴۸). ج ۱. کتاب التوحید. تهران: انتشارات دفتر نشر.
- مجلسی، محمد باقر. بحار الأنوار. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- ملکی، حسن (۱۳۷۹). تربیت عقلانی در نهج البلاغه و دلالت‌های آموزشی آن. مقالات برگزیده‌ی همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (علیه‌السلام). تهران: انتشارات مرکز مطالعات تربیت اسلامی. زمستان ۱۳۷۹.
- ملکی، حسن (۱۳۸۲). دین و برنامه‌ی درسی. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- ملکی، حسن (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل). تهران: انتشارات مدرسه.
- معین، محمد (۱۳۶۲). فرهنگ معین. ج ۱. تهران: انتشارات امیر کبیر.

- یزدان پناه نوذری، علی. (۱۳۸۵). طراحی الگوی برنامه‌ی درسی برای پرورش منش‌های تفکر دانش‌آموزان. پایان‌نامه‌ی دکتری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

- Crescimanno, Rusell. (1991). The cultivation of critical thinking : some tools and techniques. from VCCA Journal. Volum 6, number 1. winter 1991, 12-17.

www.noormags.com

- Learning to Think. Thinking to learn. By: Maclure and Peter Davies. Publishd for Economic co-operation and development by.

. Zais. Cuurriculum principles and foundation. 1934



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی